



اقتصادمحوری و دستاوردهای سیاست خارجی امارت اسلامی

سیدشاه حسین مهدوی*

چکیده

با به قدرت رسیدن امارت اسلامی در کشور، سیاست خارجی افغانستان دچار یک سلسله تحولات اساسی شد. امارت اسلامی با در نظر داشت شرایط داخلی و ضرورت‌های منطقه‌ای و جهانی سیاست خارجی متوازن و اقتصادمحور را در پیش گرفت. بنابراین، اقتصادمحوری به رکن اساسی سیاست خارجی افغانستان امروز تبدیل شده است. تحت رهبری امارت اسلامی، دیپلوماسی اقتصادی به‌عنوان یک ابزار استراتژیک برای ارتقای شکوفایی اقتصادی کشور و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته است. پرسش که در این تحقیق طرح می‌شود این است که اقتصادمحوری چه دستاوردهایی در سیاست خارجی امارت اسلامی داشته است؟ فرضیه نشان می‌دهد که امارت اسلامی با رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی خود توانسته است که دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای را حاصل کند. این نوشتار با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای به این یافته‌ها رسیده است که امارت اسلامی با تعامل فعال با کشورهای همسایه و منطقه، با موفقیت روابط تجاری خود را متنوع کرده و سرمایه‌های خارجی را برای تقویت بخش‌های کلیدی اقتصاد خود جذب کرده است. علاوه بر این، ابتکاراتی مانند پروژه‌های توسعه زیربنایی، موافقت‌نامه‌های تجاری و مشارکت‌های سرمایه‌گذاری رشد اقتصادی کشور را سبب شده است. سیاست خارجی اقتصادمحور امارت اسلامی بر ارتقای فضای تجاری مساعد، اصلاحات نظارتی و اقدامات ظرفیت‌سازی برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تحریک کارآفرینی داخلی تأکید کرده است. امارت اسلامی با ایجاد فضای باز اقتصادی و همکاری، زمینه را برای پایداری و شکوفایی بلندمدت اقتصادی فراهم کرده است. امارت اسلامی با پذیرش رویکردی فعالانه و عمل‌گرایانه برای تعامل اقتصادی در صحنه جهانی، توانسته باب تعامل با همسایگان و منطقه را فراهم کند.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، اقتصادمحوری، افغانستان، امارت اسلامی.

*کارمند وزارت امور خارجه امارت اسلامی افغانستان

مقدمه

سیاست خارجی جنبه حیاتی از تعامل یک ملت با جامعه بین‌المللی است که ابعاد دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. سیاست خارجی اقتصادمحور نقش مهمی در شکل دادن به روابط یک کشور با سایر کشورها، با تمرکز بر تجارت، سرمایه‌گذاری، کمک‌های توسعه و همکاری‌های اقتصادی ایفا می‌کند. عرصه‌ی سیاست خارجی یک عرصه‌ای چندوجهی است که در آن کشورها در سطح جهانی با یکدیگر تعامل دارند و از ابزارهای دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی برای تامین منافع ملی خود استفاده می‌کنند. با به قدرت رسیدن امارت اسلامی افغانستان در اگست ۲۰۲۱، نظام سیاسی جدیدی در افغانستان حاکم شد که تحت تأثیر آن عرصه‌های مختلف حکومت‌داری از جمله سیاست خارجی متحول شد. سیاست خارجی امارت اسلامی با در نظر داشت شرایط داخلی و بین‌المللی بر چند شاخص اساسی بنا یافت: توازن‌گرایی، بی‌طرفی و اقتصادمحوری. در این میان اقتصادمحوری نقش بسیار اثرگذاری بر سیاست خارجی افغانستان داشته است.

بنابراین، یکی از جنبه‌های کلیدی سیاست خارجی امارت اسلامی افغانستان، رویکرد اقتصادمحور آن است. امارت اسلامی به صراحت اعلام کرده است که به دنبال ایجاد روابط قوی اقتصادی با سایر کشورها، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ارتقای تجارت و توسعه است. چنانکه طرح‌های اقتصادی با محوریت افغانستان مانند پروژه تاپی، کاسا یک هزار و سایر پروژه‌های اتصال منطقه‌ای در حوزه انرژی تلاش شده است (مشعل، ۱۴۰۳: ۱). این تمرکز بر دیپلماسی اقتصادی برای امارت اسلامی بسیار مهم است زیرا به دنبال ایجاد ثبات در کشور و بهبود شرایط زندگی مردم آن است.

سیاست خارجی اقتصادمحور امارت اسلامی به‌عنوان یک جنبه محوری از استراتژی دیپلماتیک این کشور ظاهر شده است و نشان دهنده تغییری عمده به سمت استفاده از ابتکارات اقتصادی به‌عنوان سنگ‌بنای تقویت روابط بین‌المللی و تضمین توسعه پایدار است. این سیاست به امارت اسلامی امکان می‌دهد تا نه تنها زمینه رشد و انکشاف اقتصادی کشور را فراهم کند، بلکه بتواند روابط فعال با همسایگان، منطقه و جهان ایجاد کند. برای دستیابی به این هدف، امارت اسلامی با شرکای منطقه‌ای برای تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و اتصال منطقه‌ای

کار می‌کند. چنانکه امارت اسلامی قبلاً با کشورهای همسایه مانند پاکستان، ایران و چین و هم‌چنین سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل و بانک جهانی گفتگو کرده است. این گفت‌وگوها بر همکاری‌های اقتصادی بالقوه، موافقت‌نامه‌های تجاری، و پروژه‌های انکشافی که می‌تواند به شروع اقتصاد افغانستان کمک کند، متمرکز بوده است.

از همین رو، مقاله حاضر در صدد آن است که دستاوردهای اقتصادمحوری در سیاست خارجی امارت اسلامی را مورد مطالعه و بررسی علمی قرار دهد. سؤال اصلی که در این مقاله مطرح می‌شود این است که اقتصادمحوری چه دستاوردهای بر سیاست خارجی امارت اسلامی داشته است؟ فرضیه که در پاسخ به سؤال یادشده مطرح می‌شود این است که امارت اسلامی با رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی خود توانسته است که دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای را حاصل کند.

روش که نویسنده در این تحقیق از آن استفاده می‌کند عبارت از روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای شامل کتاب‌ها، مقالات، سایت‌های اینترنتی معتبر می‌باشد. هدف اصلی این مقاله، بررسی نقش ملاحظات اقتصادی در شکل‌دهی سیاست خارجی اسلامی و دستاوردهای اقتصادمحوری در سیاست خارجی آن است. به‌طورخاص، هدف این تحقیق بررسی این است که چگونه اولویت‌بندی منافع اقتصادی کشور بر تعاملات دیپلماتیک و تصمیمات استراتژیک امارت اسلامی در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. اهمیت و ضرورت تحقیق هم از این موضوع سرچشمه می‌گیرد که درک تأثیر متقابل بین اقتصادمحوری و دستاوردهای سیاست خارجی در درک رفتار راهبردی امارت اسلامی در عرصه بین‌المللی بسیار مهم است. زیرا روشن‌سازی این موضوع ما را به تحلیل بهتر از اقدامات سیاست خارجی امارت اسلامی و نیز برداشتن گام‌های محکم‌تر در جهت یک سیاست خارجی فعال یاری می‌رساند. این تحقیق در چندین بخش کلیدی ساختاربندی خواهد شد. در بخش مقدماتی مفاهیم چون مفهوم سیاست خارجی اقتصادمحور، مؤلفه‌های سیاست خارجی اقتصادمحور و نیز نمونه‌های عملی آن بررسی می‌شود. همین‌طور سیاست خارجی امارت اسلامی با تمرکز بر اصول و اهداف آن مطالعه می‌شود و نیز انگیزه‌های اقتصادمحوری در سیاست خارجی امارت اسلامی

بررسی می‌شود. همین‌طور در بخش آخر به دستاوردهای سیاست خارجی اقتصادمحور و نیز چالش‌های فراروی آن پرداخته می‌شود و در آخر هم یک نتیجه‌گیری از مباحث صورت می‌گیرد.

۱. مفهوم سیاست خارجی اقتصادمحور

در حوزه روابط بین‌الملل، منظور از مفهوم سیاست خارجی اقتصادمحور عبارت از تأکید بر اهمیت عوامل اقتصادی در هدایت تصمیمات دیپلماتیک و شکل‌دادن به روابط خارجی است. امروزه کشورهای توسعه‌گرا در پی طراحی نوعی از سیاست خارجی هستند که برونداد آن رونق و رفاه اقتصادی داخلی است. استفاده از همه ظرفیت‌های سیاسی و دیپلماتیک به منظور خلق بازارهای جدید برای تولیدات در دستورکار دست‌اندرکاران سیاست خارجی دولت‌های توسعه‌گرا قرار می‌گیرد (Baranay، ۲۰۰۹: ۲). کشورها با اولویت‌دادن منافع اقتصادی به دنبال اهرم قدرت اقتصادی خود برای دستیابی به اهداف استراتژیک در عرصه بین‌المللی هستند (شفائی، ۱۳۸۸: ۱۲). این رویکرد، منافع اقتصادی را به‌عنوان محرک اصلی تصمیمات سیاست خارجی، اهرم قدرت اقتصادی برای پیشبرد اهداف ملی و ارتقای رقابت جهانی، در اولویت قرار می‌دهد (طباطبایی: ۱۳۸۸: ۲۵).

سیاست خارجی اقتصادمحور به رویکرد یک کشور به روابط بین‌الملل اشاره دارد که منافع و اهداف اقتصادی را در اولویت قرار می‌دهد. در دنیای جهانی‌شده امروز، ملاحظات اقتصادی نقشی حیاتی در شکل‌دادن به تصمیمات سیاست خارجی یک کشور ایفا می‌کند. کشورها اغلب برای ارتقای منافع اقتصادی خود، تقویت روابط تجاری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت رشد اقتصادی، وارد دیپلماسی اقتصادی می‌شوند (هیل، ۲۰۰۳: ۲۲).

مفهوم «سیاست خارجی اقتصادمحور» نشان‌دهنده یک رویکرد استراتژیک است که توسط کشورها برای اولویت‌دادن به منافع اقتصادی در تعاملات دیپلماتیک خود با سایر کشورها انجام می‌شود. این چارچوب بر اهمیت عوامل اقتصادی در شکل‌دهی روابط خارجی تأکید می‌کند و بر استفاده از ابزارهای اقتصادی مانند توافق‌نامه‌های تجاری، استراتژی‌های سرمایه‌گذاری و انگیزه‌های اقتصادی برای پیشبرد منافع ملی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی تأکید می‌کند (اسمیت، ۲۰۱۲: ۴۴). در دوران پس از جنگ جهانی دوم، مؤسسات برتون وودز،

مانند صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی، نقش مهمی در ارتقای همکاری‌های اقتصادی و ثبات بین کشورها داشتند. ظهور جهانی شدن در اواخر قرن بیستم، ادغام اقتصادها را بیشتر تسریع کرد و بر پیوستگی اهداف اقتصادی و سیاست خارجی تأکید کرد. (اسمیت، ۲۰۱۲: ۵۴) بنابراین، در عصر معاصر، ملاحظات اقتصادی نقش مهمی در شکل دادن به روابط خارجی، تأثیرگذاری بر توافقات تجاری، تصمیمات سرمایه‌گذاری و کمک‌های توسعه ایفا می‌کند. کشورها اغلب از دیپلوماسی اقتصادی به عنوان ابزاری برای پیشبرد منافع ملی خود و تقویت جایگاه خود در اقتصاد جهانی استفاده می‌کنند. اقتصاد نقشی محوری در شکل دهی به پویایی روابط بین‌الملل، تأثیرگذاری بر تعاملات بین کشورها، تدوین سیاست‌های خارجی و نتایج تعاملات دیپلماتیک دارد. تعامل بین اقتصاد و روابط خارجی فرایندی پیچیده و چندوجهی است که تجارت، سرمایه‌گذاری، کمک، توسعه و سایر عوامل اقتصادی را در بر می‌گیرد. (اسمیت، ۲۰۱۲: ۴۸).

یکی از راه‌های اصلی تأثیرگذاری اقتصاد بر روابط خارجی، تجارت است. تجارت یکی از جنبه‌های اساسی روابط بین‌الملل است که به عنوان یک مکانیسم کلیدی برای تقویت وابستگی متقابل اقتصادی، ارتقاء رفاه و تسهیل همکاری بین کشورها عمل می‌کند. کشورها برای دستیابی به منابع، کالاها و خدماتی که در داخل به راحتی در دسترس نیستند، به منظور افزایش رشد و توسعه اقتصادی خود و تقویت روابط اقتصادی خود با سایر کشورها وارد تجارت می‌شوند. توافق‌نامه‌های تجاری، تعرفه‌ها، سهمیه‌ها و موانع تجاری، همگی پیامدهای عمیقی بر روابط دیپلماتیک دارند، زیرا می‌توانند همکاری اقتصادی را تقویت کنند یا منجر به اختلافات تجاری و تنش بین کشورها شوند (طباطبایی: ۱۳۸۸: ۳۵).

علاوه بر این، اقتصاد بر تصمیمات استراتژیک و ملاحظات امنیتی در روابط خارجی تأثیر می‌گذارد. امنیت انرژی، امنیت غذایی، دسترسی به منابع حیاتی، ثبات مالی و آسیب‌پذیری‌های اقتصادی عواملی هستند که تصمیمات سیاست خارجی کشورها را شکل می‌دهند. ملاحظات اقتصادی اغلب زیربنای اتحادهای استراتژیک، مداخلات نظامی، مذاکرات صلح و تلاش‌های حل مناقشه است، زیرا کشورها تلاش می‌کنند تا از منافع اقتصادی خود محافظت کنند، امنیت

ملی خود را حفظ کنند و اهداف جیوپولیتیکی خود را در یک اقتصاد جهانی بسیار بهم پیوسته پیش ببرند (شفائی، ۱۳۸۸: ۱۶). در پایان، نقش اقتصاد در شکل‌دهی روابط خارجی عمیق و گسترده است. ملاحظات اقتصادی در تمام جنبه‌های دیپلوماسی بین‌المللی، از تجارت و سرمایه‌گذاری گرفته تا کمک و امنیت، تأثیرگذار بر رفتار کشورها، ماهیت اتحادها، حل مناقشات، و تعقیب اهداف مشترک نفوذ می‌کند. درک اهمیت اقتصاد در روابط خارجی برای درک پیچیدگی‌های سیستم جهانی امروز، که در آن قدرت اقتصادی و وابستگی متقابل محرک‌های مهم تعاملات دیپلماتیک و همکاری‌های بین‌المللی هستند، ضروری است. با تصدیق رابطه همزیستی بین اقتصاد و سیاست خارجی، کشورها می‌توانند پیچیدگی‌های اقتصاد جهانی را کنترل کنند، شکوفایی اقتصادی را تقویت کنند و مشارکت‌های پایداری را پرورش دهند که نه تنها برای اقتصاد آن‌ها بلکه برای جامعه بین‌المللی گسترده‌تر نیز مفید است.

۲. مؤلفه‌های سیاست خارجی اقتصادمحور

سیاست خارجی اقتصادمحور، طیفی از ابزارها و مؤلفه‌ها را در بر می‌گیرد که هدف آن‌ها به‌کارگیری منابع اقتصادی برای دستیابی به اهداف استراتژیک است. این شامل:

۱. دیپلوماسی اقتصادی: دیپلوماسی اقتصادی موضوعی است که اساساً در دوران پس از جنگ سرد و با گسترش فرایند جهانی‌شدن در چارچوب «فضای جریان‌ها» مطرح شده و امروزه به‌عنوان یکی از ابزارهای نوین، کارآمد و قدرتمند کنش در فضای بین‌الملل در برابر دیپلوماسی سنتی قرار گرفته است. اساس شکل‌گیری دیپلوماسی اقتصادی مبتنی بر کاستی‌های دیپلوماسی سنتی برای تحقق اهداف سیاست خارجی و تأمین منافع بازیگران دولتی و غیردولتی عرصه بین‌الملل در چارچوب تعاملات فزاینده و چندوجهی اقتصاد جهانی است (شیخ عطار، ۱۳۸۵: ۱۲). تقویت روابط تجاری و امضای موافقتنامه‌های اقتصادی با سایر کشورها از راه مذاکره و گفتگو برای ارتقای تجارت، کاهش موانع تجاری، ترویج صادرات، سرمایه‌گذاری و همکاری‌های اقتصادی دوجانبه (امیدی، ۱۳۹۸: ۱۴).

۲. جذب و تشویق سرمایه‌گذاری: تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) با ایجاد محیطی مساعد برای سرمایه‌گذاران، ارائه مشوق‌ها، و تقویت مشارکت‌های اقتصادی که موجب رشد و توسعه اقتصادی می‌شود. سرمایه‌گذاری برون مرزی و صادرات خدمات فنی-

مهندسی و پیمانکاری خارجی، غیر از این که زمینه ساز قدرت نرم کشور صادرکننده است، بلکه باعث وابستگی متقابل بلندمدت و خلق ثروت ملی خواهد شد (امیدی، ۱۳۹۸: ۱۲).

۳. دیپلوماسی اقتصادی و همکاری‌های اقتصاد منطقه‌ای: مشارکت در سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای یا ابتکارات برای ارتقای یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای، افزایش ثبات اقتصادی و رسیدگی به مسائل مشترک اقتصادی به طور جمعی. استفاده از ابزارهای اقتصادی مانند کمک‌های اقتصادی، بسته‌های سرمایه گذاری و معاملات تجاری به عنوان ابزار دیپلوماسی برای تقویت روابط دیپلماتیک، حل مناقشات و دستیابی به اهداف سیاست خارجی (Baranay، ۲۰۰۹: ۲).

۴. قدرت اقتصادی: استفاده از اهرم‌های اقتصادی مانند دسترسی به بازارها یا منابع مالی برای تأثیرگذاری بر رفتار سایر دولت‌ها و پیشبرد منافع ملی (امیدی، ۱۳۹۸: ۱۱).

۵. ارتقای منافع اقتصادی: حمایت از حمایت و ارتقای منافع اقتصادی یک کشور در مجامع، مذاکرات و توافقات بین‌المللی برای تضمین فضای اقتصادی مطلوب برای صنایع و مشاغل داخلی.

۶. توسعه زیرساخت: سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی، مانند شبکه‌های حمل و نقل، تأسیسات انرژی و سیستم‌های مخابراتی، چه در داخل و چه در سطح بین‌المللی، برای تسهیل رشد اقتصادی و اتصال.

۷. ظرفیت‌سازی: حمایت از ابتکارات ظرفیت‌سازی مانند برنامه‌های آموزش و مهارت‌آموزی، انتقال فناوری و تبادل دانش، برای تقویت قابلیت‌های اقتصادی کشورهای شریک و تقویت توسعه پایدار.

۳. نمونه‌هایی از سیاست خارجی اقتصادمحور

چندین کشور با موفقیت استراتژی‌های سیاست خارجی اقتصادمحور را برای پیشبرد منافع ملی خود و ارتقای جایگاه جهانی خود اجرا کرده‌اند. برخی از نمونه‌های قابل توجه عبارتند از:

۱. چین: یکی از نمونه‌های قانع‌کننده سیاست خارجی اقتصادی محور، ابتکار پیشگامانه کمربند و جاده چین (BRI) است. BRI که در سال ۲۰۱۳ راه‌اندازی شد، با هدف تقویت

توسعه زیرساخت‌ها و اتصال در سراسر آسیا، آفریقا و اروپا از طریق پروژه‌های سرمایه‌گذاری گسترده است. چین با تقویت ساخت راه آهن، بنادر و خطوط لوله انرژی، به دنبال تقویت مسیرهای تجاری، ارتقای رشد اقتصادی و تقویت نفوذ خود در مناطق کلیدی است. این ابتکار نمونه‌ای از استفاده استراتژیک چین از دیپلوماسی اقتصادی برای گسترش دامنه جهانی و دسترسی ایمن به منابع و بازارهای حیاتی است (شین هوا، ۲۰۲۴).

۲. هند: علاوه بر این، سیاست Act East هند به عنوان یک نمونه قابل توجه از سیاست خارجی اقتصادمحور عمل می‌کند که بر تقویت همکاری اقتصادی با کشورهای جنوب شرقی آسیا برای ارتقای یکپارچگی منطقه ای و رشد اقتصادی تمرکز دارد. هند از طریق ابتکارهایی مانند انجمن کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN) و مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای (RCEP) به دنبال تعمیق روابط تجاری، اتصال زیرساخت‌ها و مبادلات فرهنگی با همسایگان شرقی خود است و خود را به عنوان یک بازیگر کلیدی در اقتصاد منطقه قرار می‌دهد (وزارت امور خارجه، دولت هند، n.d.).

۳. آلمان: آلمان که به دلیل اقتصاد مبتنی بر صادرات شناخته شده است، دیپلوماسی تجاری را برای ارتقای بخش تولید خود و تقویت موقعیت خود به عنوان صادرکننده پیشرو کالاهای با کیفیت در اولویت قرار داده است.

۴. سنگاپور: با منابع طبیعی محدود، سنگاپور بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و توسعه اقتصاد مبتنی بر دانش برای هدایت نوآوری و حفظ رشد اقتصادی خود تمرکز کرده است.

۵. ایالات متحده: ایالات متحده از تحریم‌های اقتصادی به عنوان ابزار اصلی سیاست خارجی استفاده کرده است و کشورهایی مانند ایران و کره شمالی را هدف قرار داده است تا آن‌ها را تحت فشار قرار دهد تا رفتار خود را در مورد موضوعاتی مانند اشاعه هسته‌ای تغییر دهند. در نتیجه، مفهوم سیاست خارجی اقتصادمحور نشان‌دهنده شناخت روبه‌رشد ارتباط بین شکوفایی اقتصادی و نفوذ جهانی است. با استفاده استراتژیک از منابع اقتصادی، کشورها می‌توانند اهرم دیپلماتیک خود را افزایش دهند، توسعه پایدار را ارتقاء دهند و به اهداف سیاست خارجی خود در جهانی به هم پیوسته دست یابند.

۴. نگاهی به سیاست خارجی امارت اسلامی؛ اصول و اهداف

هرچند اصول تدوین شده و مشخصی در سیاست خارجی امارت اسلامی افغانستان تاکنون منتشر نشده است، با این حال از لابلای احکام و فرامین امیرالمؤمنین و بیانیه‌های وزیر امور خارجه و مواضع کلی مقامات امارت اسلامی، به نظر می‌رسد سیاست خارجی کشور در مرحله کنونی به‌طور کلی بر اصول و ویژگی‌های زیر استوار است:

۴-۱. سیاست خارجی مستقل

سیاست خارجی کشورهای ضعیف جهان هرگز نمی‌تواند مستقل باشد و دلیل آن این است که کشورهای ضعیف از یک سو نیازمند کمک‌های اقتصادی اند و از سوی دیگر بیشتر خواسته‌های قدرت‌های بزرگ را برای حفظ خود می‌پذیرند. اگرچه سیاست خارجی امارت اسلامی نیز در همین کتگوری می‌آید، اما شاخص‌هایی از سیاست خارجی مستقل نیز در آن دیده می‌شود. امارت اسلامی به صراحت گفته که خواهان روابط خوب با همه کشورهای جهان است؛ خاک افغانستان علیه هیچ کشوری استفاده نمی‌شود؛ هند سفارت خود را باز کرده و تیم فنی آن در حال مذاکره است؛ روابطش با روسیه و چین خوب است و حتی در صحنه بین‌المللی از آن دفاع کرده و گهگاهی با ایالات متحده آمریکا نیز در قطر به مذاکره می‌نشیند. این‌ها نمونه‌هایی از استقلال سیاست خارجی پنداشته می‌شود. (مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی، ۱۴۰۱: ۷)

۴-۲. سیاست خارجی بی‌طرف

امیرخان متقی سرپرست وزارت امور خارجه افغانستان سیاست خارجی امارت اسلامی را این‌گونه توصیف کرده است: «سیاست خارجی امارت اسلامی افغانستان مثبت، بی‌طرف، متوازن و اقتصادمحور است.» وقتی از سیاست خارجی بی‌طرف صحبت می‌کنیم، هدف ما این است که یک کشور در مشاجرات میان قدرت‌های بزرگ دخیل نشود. به‌هیچ‌یک از قدرت‌های بزرگ نپیوندد. جزئی از اتحادهای نظامی مانند ناتو نشود. با همه هم‌تاهای خود در چارچوب منافع ملی رابطه برقرار کند (مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی، ۱۴۰۱: ۷). امارت اسلامی از یک سو سیاست خارجی بی‌طرف رسمی خود را اعلام کرده و از سوی دیگر عملاً با هیچ قدرتی

در بین قدرت‌های بزرگ متحد نیست. ایالات متحده آمریکا نیز آن را از فهرست متحدان غیر ناتو حذف کرده است. در حال حاضر تحلیل کارشناسان سیاست خارجی این است که تنها راه حل پایان مشکلات افغانستان در سیاست خارجی بی طرفی است.

۳-۴. سیاست خارجی اقتصادمحور

یکی دیگر از اصول و ویژگی‌های سیاست خارجی امارت اسلامی این است که سیاست خارجی خود را اقتصادمحور اعلام کرده‌اند و دلیل اصلی آن قطع کمک به این کشور به‌عنوان متحد ایالات متحده آمریکا است و افغانستان باید بودجه خود را از درآمدهای داخلی سازماندهی کند و اقتصاد خود را از طریق روابط خوب اقتصادی با جهان خودکفا کند. دلیل دیگر این است که امنیت در کشور برقرار شده و سیاست خارجی امنیت‌محور دیگر به نفع افغانستان نیست. با این حال، افغانستان هنوز برای مبارزه با داعش به حمایت منطقه‌ای و جهانی نیاز دارد. به گفته کارشناسان سیاست خارجی، این سیاست خارجی اقتصادمحور به نفع افغانستان است و بزرگ‌ترین مزیت آن این است که زمینه را برای اتصال منطقه‌ای افغانستان فراهم می‌کند، زیرا به دلیل سیاست خارجی امنیت‌محور، ارتباط منطقه‌ای افغانستان با مشکل مواجه بود و دلیل آن هم این بود که روسیه، چین و ایران که از کشورهای مهم منطقه‌ای برای افغانستان به‌شمار می‌روند، به دلیل این نوع سیاست خارجی نمی‌خواستند و یا ایالات متحده آمریکا نمی‌گذاشت که اتصال منطقه‌ای به میان بیاید که به آن‌ها منفعت برساند. اکنون که ایالات متحده آمریکا در افغانستان حضور ندارد و امارت اسلامی سیاست خارجی خود را اقتصادمحور اعلام کرده است، این فرصت بسیار خوبی برای افغانستان است تا به رؤیای اتصال منطقه‌ای با کشورهای منطقه تحقق بخشد. دستاورد این سیاست این است که چین علاقه‌مند سرمایه‌گذاری شده است. روابط تجاری با ایران گسترش یافته است. روسیه تعرفه صادرات افغانستان را لغو کرده و هم‌چنان خواستار روابط تجاری خوب است. هند سفارت خود را باز کرده و تیم فنی آن مشغول گفتگو با امارت اسلامی است. پاکستان نیز بر روابط خوب اقتصادی با امارت اسلامی کار می‌کند. کشورهای آسیای میانه نیز پروژه‌های مشترک اقتصادی بزرگ با افغانستان را آغاز کرده‌اند. همه این ارتباطات منطقه‌ای به دلیل سیاست اقتصادمحور امارت اسلامی ایجاد شده و به نظر می‌رسد که به سوی آینده بهتر در حرکت است (مرکز مطالعات استراتژیک و منطوقی، ۱۴۰۱: ۸).

۴-۴. سیاست خارجی متوازن

امارت اسلامی سیاست خارجی خود را یک سیاست خارجی متوازن اعلان کرده است، یعنی از یک سو، امارت اسلامی در روابط بین قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای تعادل را حفظ می‌کند و از سوی دیگر در منازعات بین این قدرت‌ها طرف واقع نخواهد شد. به عنوان مثال، در نظام جمهوریت، افغانستان نتوانست توازن بین هند و پاکستان را در سیاست خارجی حفظ کند، اما اکنون با وجود اینکه هند نگرانی‌های خاص خود را در مورد به قدرت رسیدن مجدد امارت اسلامی در افغانستان دارد، باز هم سفارت خود را در کابل بازگشایی کرده، و تیم فنی خود را به کابل فرستاد. از این رو، هویداست که امارت اسلامی به سیاست خارجی متوازن خود متعهد است و این نوع سیاست می‌تواند از یک سو افغانستان را به طرف توسعه اقتصادی سوق دهد و از سوی دیگر آن را از جنگ‌های نیابتی نجات دهد (مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی، ۱۴۰۱: ۸).

۵. اهداف سیاست خارجی امارت اسلامی

اهداف سیاست خارجی امارت اسلامی افغانستان، منعکس‌کننده ترکیبی از ملاحظات عمل-گرایانه، الزامات ایدئولوژیک و پویایی‌های منطقه‌ای است. دولت افغانستان با تمرکز بر به-رسمیت شناختن، همکاری‌های منطقه‌ای، امنیت، کمک‌های بشردوستانه، و اصول اسلامی، در نظر دارد تا در حوزه پیچیده روابط بین‌المللی حرکت کند و در عین حال به نیازهای مبرم جمعیت خود رسیدگی کند. تطبیق موفقیت‌آمیز این اهداف نقش مهمی در شکل دادن به مسیر آینده افغانستان در صحنه جهانی خواهد داشت.

۵-۱. شناخت و مشروعیت

تأمین اعتبار و مشروعیت بین‌المللی یکی از اهداف اساسی سیاست خارجی امارت اسلامی است. امارت اسلامی، اهمیت تعامل با جامعه جهانی را برای به دست آوردن پذیرش به عنوان یک دولت قانونی تشخیص می‌دهد. به دنبال به رسمیت شناختن دیپلماتیک از کشورهای کلیدی و سازمان‌های بین‌المللی برای دسترسی رژیم به کمک، سرمایه‌گذاری و حمایت از تلاش‌های بازسازی ضروری است.

۵-۲. روابط منطقه‌ای

تقویت روابط با کشورهای همسایه و قدرت‌های منطقه‌ای جنبه حیاتی از اهداف سیاست خارجی امارت اسلامی است. موقعیت جغرافیایی افغانستان آن را به یک بازیگر استراتژیک در پویایی‌های منطقه‌ای تبدیل می‌کند. هدف دولت تقویت روابط مثبت با کشورهایی مانند پاکستان، ایران، چین و روسیه در عین رسیدگی به نگرانی‌های امنیتی فرامرزی و ارتقای همکاری‌های اقتصادی است (Afghanistan Times, 2023).

۵-۳. تضمین امنیت کشور و دفع نگرانی‌های امنیتی

تضمین امنیت کشور و دفع نگرانی‌های امنیتی کشورهای همسایه و ایجاد اطمینان از اینکه خاک افغانستان تهدیدی به هیچ یک از کشورهای همسایه، منطقه و جهان نخواهد بود، یکی از اهداف کلیدی سیاست خارجی امارت اسلامی است. چنانکه امارت اسلامی در طی چندسال اخیر توانسته است تهدیدات متوجه کشور را دفع کند و امنیت سراسری در کشور ایجاد کند. همین‌طور، امارت اسلامی افغانستان به هیچ گروهی اجازه نداده است که از خاک افغانستان علیه کشورهای دیگر استفاده شود و همواره مقامات امارت اسلامی در این زمینه به کشورهای اطمینان داده‌اند.

۵-۴. کمک‌های بشردوستانه و توسعه

رسیدگی به بحران‌های بشردوستانه، ارتقای توسعه، و بهبود شرایط زندگی برای مردم افغانستان از اجزای اساسی اهداف سیاست خارجی امارت اسلامی است. دولت به دنبال کمک‌های بین‌المللی برای کاهش فقر، ارائه خدمات صحی، آموزش و بازسازی زیرساخت‌ها است. همکاری با سازمان‌های بشردوستانه برای رفع نیازهای فوری مردم افغانستان بسیار مهم است.

۵-۵. ارزش‌ها و مبانی اسلامی

ترویج ارزش‌ها و اصول اسلامی در روابط خارجی یکی از جنبه‌های کلیدی سیاست خارجی امارت اسلامی است. امارت اسلامی، بر اهمیت ارزش‌های اسلامی، عدالت و اخلاق اسلامی در تعاملات خود با سایر ملل تأکید می‌کند. حفظ ارزش‌های دینی در عین تعامل دیپلماتیک با جامعه جهانی، سنگ بنای رویکرد سیاست خارجی امارت اسلامی است.

۶. انگیزه‌های سیاست خارجی اقتصادمحور امارت اسلامی

۶-۱. جذب سرمایه‌گذاری خارجی و کمک به بازسازی زیرساخت‌ها

یکی از انگیزه‌های اصلی اقتصادی امارت اسلامی افغانستان جذب سرمایه‌گذاری خارجی و کمک به بازسازی زیرساخت‌های کشور و ایجاد فرصت‌های شغلی برای مردم آن است. دولت به‌طور فعال با کشورهای همسایه، سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای کمک‌کننده به دنبال کمک مالی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف مانند کشاورزی، معدن و انرژی بوده است.

۶-۲. بر ارتقای همکاری‌های تجاری و اقتصادی با شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی

علاوه بر این، امارت اسلامی افغانستان نیز بر ارتقای همکاری‌های تجاری و اقتصادی با شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی متمرکز است. دولت مایل به گسترش روابط تجاری خود با کشورهای همسایه مانند پاکستان، ایران و چین و همچنین کاوش در بازارهای جدید در اروپا و خاورمیانه است. هدف دولت از طریق تقویت روابط تجاری، تقویت صادرات، تولید درآمد و ایجاد فضای کسب و کار مطلوب تر برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی است.

۶-۳. ثبات اقتصادی و مدیریت مالی

امارت اسلامی افغانستان علاوه بر جذب سرمایه‌گذاری و ارتقای تجارت، در جهت بهبود ثبات اقتصادی و مدیریت مالی کشور نیز تلاش می‌کند. دولت با اجرای اصلاحات مالی، کنترل مخارج دولت و افزایش شفافیت در مبادلات مالی، اقداماتی را برای حل مسائلی مانند تورم، کاهش ارزش پول و کسری بودجه انجام داده است.

۶-۴. برنامه‌های رفاهی و ایجاد اشتغال

علاوه بر این، امارت اسلامی افغانستان با اجرای برنامه‌های رفاه اجتماعی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای شهروندان خود، متعهد به رسیدگی به فقر و بیکاری است. دولت طرح‌هایی را برای ارائه حمایت مالی به گروه‌های آسیب‌پذیر، بهبود دسترسی به آموزش و مراقبت‌های بهداشتی و ایجاد برنامه‌های آموزش حرفه‌ای برای ارتقای مهارت‌های نیروی کار آغاز کرده است. در مجموع، اهداف اقتصادی محوری در سیاست خارجی امارت اسلامی افغانستان نشان‌دهنده تعهد دولت به بازسازی اقتصاد کشور، جذب سرمایه‌گذاری، ارتقای تجارت و بهبود

سطح زندگی مردم آن است. دولت با تمرکز بر این اهداف، بر چالش‌های اقتصادی پیش‌روی افغانستان فائق آمده و راه را برای انکشاف و شکوفایی پایدار در کشور هموار می‌کند.

۷. اولویت‌های سیاست خارجی اقتصادمحور امارت اسلامی

۷-۱. ایجاد روابط قوی اقتصادی با جهان به خصوص منطقه

یکی از اولویت‌های اصلی اقتصادی در سیاست خارجی امارت اسلامی، ایجاد روابط قوی اقتصادی با سایر کشورها است. امارت اسلامی، در تلاش‌های دیپلماتیک برای تقویت همکاری‌های اقتصادی با کشورهای همسایه مانند پاکستان، ایران و چین و هم‌چنین سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و بانک جهانی بوده است. امارت اسلامی با جست‌وجوی مشارکت‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، به دنبال جذب منابع بسیار مورد نیاز برای شروع اقتصاد افغانستان است.

۷-۲. ایجاد محیط تجاری مساعد در افغانستان

امارت اسلامی علاوه بر ایجاد روابط اقتصادی با سایر کشورها، بر ایجاد یک محیط تجاری دوستانه در افغانستان نیز متمرکز است. امارت اسلامی متعهد شده است که محیطی امن و مطمئن را برای فعالیت کسب‌وکارها فراهم کند، از حقوق مالکیت محافظت کند و فرآیندهای بوروکراتیک را برای سرمایه‌گذاران ساده کند. با بهبود سهولت تجارت در کشور، امارت اسلامی امیدوار است که بتواند سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کند و رشد اقتصادی را تحریک کند.

۷-۳. رسیدگی به مشکل وابستگی به کمک‌های خارجی

یکی دیگر از اولویت‌های اقتصادی کلیدی امارت اسلامی رسیدگی به وابستگی این کشور به کمک‌های خارجی است. افغانستان مدت‌هاست که برای حفظ اقتصاد خود به کمک‌های بین‌المللی متکی بوده است و خروج این کمک‌ها می‌تواند چالش‌های اقتصادی موجود را تشدید کند. برای کاهش این وابستگی، امارت اسلامی به دنبال تنوع بخشیدن به منابع درآمد، ترویج تجارت و سرمایه‌گذاری و اجرای سیاست‌های اقتصادی صحیح است که بتواند به طور پایدار از توسعه کشور حمایت کند.

۸. دستاوردهای اقتصادمحوری در سیاست خارجی امارت اسلامی

سیاست خارجی اقتصادمحور امارت اسلامی افغانستان در شکل دادن به چشم‌انداز اقتصادی

کشور، تقویت رشد، جذب سرمایه‌گذاری و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش اساسی داشته است. دولت افغانستان با تمرکز بر دیپلوماسی اقتصادی، مشارکت تجاری، ترویج سرمایه‌گذاری و ابتکارات توسعه اقتصادی، گام‌های مهمی در پیشبرد برنامه‌های اقتصادی خود در صحنه جهانی برداشته است.

۸-۱. گسترش تجارت با منطقه از راه منطقه‌گرایی

با رویکرد سیاست خارجی اقتصادمحور، امارت اسلامی به‌طور فعال در دیپلوماسی اقتصادی برای تقویت روابط با شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی شرکت کرده است. دولت با اشتراک در مجامع اقتصادی، نشست‌های تجاری و نشست‌های دوجانبه، افغانستان را به‌عنوان یک مقصد سرمایه‌گذاری و شریک تجاری مناسب معرفی کرده است. این امر منجر به افزایش همکاری با کشورهای همسایه و قدرت‌های منطقه‌ای شده و راه را برای افزایش همکاری اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای هموار می‌کند. بنابراین، یکی از دستاوردهای چشمگیر سیاست خارجی اقتصادمحور امارت اسلامی افغانستان، ایجاد مشارکت تجاری با کشورهای همسایه و بازیگران منطقه‌ای بوده است. امارت اسلامی با تقویت روابط دیپلوماتیک با کشورهایمانند پاکستان، ایران، چین و روسیه به‌دنبال گسترش شبکه‌های تجاری خود و دسترسی به بازارهای جدید برای کالاهای افغانی است. این تلاش‌ها به تقویت تجارت فرامرزی، تسهیل جابجایی کالا و خدمات و تقویت روابط اقتصادی با متحدان و شرکای کلیدی در منطقه کمک کرده است (Afghanistan Times, 2023). تقویت شراکت تجاری با کشورهای همسایه و شرکای تجاری جهانی اولویت اصلی سیاست خارجی اقتصادی امارت اسلامی است. افغانستان با گسترش دسترسی به بازارهای بین‌المللی، تنوع بخشیدن به صادرات و ترویج آزادسازی تجارت، به‌دنبال افزایش رقابت اقتصادی و رشد پایدار است. موافقتنامه‌های تجاری دوجانبه، اقدامات تسهیل تجارت برای تقویت روابط تجاری این کشور ضروری است.

۸-۲. جذب و ترویج سرمایه‌گذاری خارجی

امارت اسلامی افغانستان در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و پیشبرد پروژه‌های اقتصادی در داخل کشور گام برداشته است. ابتکاراتی مانند انکشاف پروژه‌های زیربنایی، سرمایه‌گذاری در

زراعت و ارتقای فعالیت‌های معدنی با هدف تحریک رشد اقتصادی، ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش فقر در افغانستان صورت گرفته است. تلاش‌های رژیم برای جذب سرمایه‌گذاری از کشورهایمانند قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی نشان‌دهنده تعهد این رژیم به تقویت توسعه اقتصادی و بازسازی کشور جنگ‌زده است. جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) برای پیشبرد توسعه اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی در افغانستان ضروری است. دولت سیاست‌هایی را برای تسهیل و تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش‌های کلیدی مانند زیرساخت‌ها، انرژی، معدن، کشاورزی و مخابرات اجرا کرده است. امارات اسلامی با بهبود فضای سرمایه‌گذاری، افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و ارائه مشوق‌هایی برای سرمایه‌گذاری، قصد دارد رشد اقتصادی و نوآوری را تحریک کند. امارت اسلامی، در تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت توسعه اقتصادی، ابتکاراتی را برای بهبود فضای سرمایه‌گذاری و اجرای اصلاحات اقتصادی برای کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری آغاز کرده است. اقدامات سیاستی با هدف کاهش موانع بوروکراتیک، تضمین حمایت از سرمایه‌گذاران، و ایجاد یک محیط تجاری مطلوب برای تحریک جریان سرمایه‌گذاری و تحریک رشد اقتصادی در اولویت قرار گرفته‌اند. تأکید بر ارتقای کارآفرینی، نوآوری و توسعه بخش خصوصی بر تعهد امارات اسلامی به شکوفایی اقتصادی و توسعه پایدار تأکید می‌کند.

۸-۳. ابتکارات تجاری و مشارکت اقتصادی

تحت رهبری جدید، امارت اسلامی گام‌هایی در ارتقای ابتکارات تجاری و ایجاد مشارکت‌های اقتصادی با کشورهای همسایه و شرکای بین‌المللی برداشته است. تلاش‌ها برای تقویت روابط تجاری با بازیگران منطقه‌ای مانند پاکستان، ایران، چین و کشورهای آسیای میانه تمرکز اصلی بوده است. ابتکارات برای ساده‌سازی رویه‌های گمرکی، تسهیل تجارت فرامرزی، و تقویت مکانیسم‌های تسهیل تجارت در ارتقای رشد اقتصادی و ایجاد محیطی مساعد برای تجارت و بازرگانی مؤثر بوده است. تلاش‌های دولت برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی از طریق سیاست‌ها و مشوق‌های تشویق سرمایه‌گذاری منجر به افزایش جریان سرمایه‌گذاری به بخش‌های کلیدی اقتصاد افغانستان شده است. سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک در توسعه زیرساخت‌ها، پروژه‌های انرژی، ابتکارات معدنی و مخابرات نه تنها فرصت‌های شغلی ایجاد

کرده است، بلکه زیرساخت‌ها و اتصالات کشور را نیز بهبود بخشیده است. این سرمایه‌گذاری‌ها زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی پایدار فراهم کرده است.

۸-۴. بهبود اقتصادی و بازسازی

امارت اسلامی افغانستان اهمیت بهبود اقتصادی و تلاش‌های بازسازی را در فضای پس از جنگ به رسمیت می‌شناسد. دولت با مشارکت با اهداکنندگان بین‌المللی، شرکای توسعه و سازمان‌های بشردوستانه، در جهت بازسازی زیرساخت‌ها، احیای خدمات اساسی و رسیدگی به نیازهای بشردوستانه مردم تلاش می‌کند. پروژه‌های بازسازی بر بخش‌های کلیدی مانند مراقبت‌های بهداشتی، آموزش، مسکن و حمل و نقل برای احیای اقتصاد و بهبود کیفیت زندگی شهروندان افغان متمرکز است.

۸-۵. ارتباط منطقه‌ای و توسعه زیرساخت

تقویت ارتباط منطقه‌ای و توسعه پروژه‌های زیرساختی حیاتی از ارکان اصلی دستور کار سیاست خارجی امارت اسلامی بوده است. ابتکارات برای تقویت ارتباط منطقه‌ای از طریق احیای مسیرهای تاریخی جاده ابریشم، توسعه کریدورهای حمل و نقل و ادغام با طرح‌های اقتصادی منطقه‌ای مانند کریدور اقتصادی چین و پاکستان (CPEC) و ابتکار کمربند و جاده (BRI) دنبال شده است. تقویت تجارت، سرمایه‌گذاری و همکاری‌های اقتصادی فرامرزی، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی شامل حمل‌ونقل، انرژی، مخابرات و لجستیک برای بهبود اتصال و تضمین توسعه پایدار برای کشور اولویت‌بندی شده است.

۸-۶. مشارکت سکتور دولتی و خصوصی

ترویج مشارکت سکتور دولتی و خصوصی، یک استراتژی کلیدی در دستور کار سیاست خارجی اقتصادی امارت اسلامی است. با ایجاد همکاری بین دولت و بخش خصوصی، افغانستان قصد دارد از تخصص، منابع و نوآوری سکتور خصوصی برای پیشبرد رشد و توسعه اقتصادی استفاده کند. این امر، در پروژه‌های زیربنایی، ارائه خدمات و طرح‌های توسعه اقتصادی نقش حیاتی در افزایش کارایی، ترویج سرمایه‌گذاری و تقویت توسعه اقتصادی پایدار دارند. دولت با تقویت همکاری‌های بین بخش‌های دولتی و خصوصی، مشارکت بخش

خصوصی را در طرح‌های توسعه اقتصادی، پروژه‌های زیربنایی و ارائه خدمات تشویق کرده است. این امر منجر به افزایش سرمایه‌گذاری، ایجاد شغل و بهبود کیفیت خدمات و کمک به رشد اقتصادی و نوآوری شده است.

۸-۷. گسترش و تنوع تجارت

یکی از دستاوردهای قابل توجه سیاست خارجی اقتصادمحور امارت اسلامی، گسترش و تنوع روابط تجاری است. افغانستان با تمرکز بر ترویج تجارت، کاهش موانع تجاری و افزایش دسترسی به بازار، توانسته است صادرات خود را افزایش دهد، سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کند و سبد تجاری خود را متنوع کند. تقویت مشارکت تجاری با کشورهایی مانند پاکستان، ایران، چین و کشورهای آسیای میانه رشد صنایع کلیدی را تسهیل کرده و فعالیت‌های اقتصادی را تقویت کرده است.

۹. چالش‌ها و محدودیت‌های اقتصادمحوری در سیاست خارجی امارت اسلامی

علی‌رغم گام‌های برداشته شده در جهت ارتقای ابتکارات سیاست خارجی اقتصادمحور، امارت اسلامی با چالش‌های بی‌شماری نیز مواجه است. مسائلی مانند معضل عدم شناسایی امارت اسلامی، تحریم‌های اقتصادی، وابستگی اقتصادی به کمک‌ها ظرفیت‌سازی نهادی و نیاز به اصلاحات اقتصادی پایدار، موانع مهمی را برای توسعه پایدار ایجاد می‌کنند. غلبه بر این چالش‌ها مستلزم تلاشی هماهنگ برای رسیدگی به مسائل حاکمیتی، افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی و ترویج سیاست‌های اقتصادی فراگیر است که به نفع همه اقشار جامعه است. مهم‌ترین این چالش‌ها، عبارت‌اند از:

۹-۱. معضل عدم شناسایی امارت اسلامی

فقدان به رسمیت شناختن گسترده بین‌المللی امارت اسلامی افغانستان چالش بزرگی را برای سیاست خارجی اقتصادمحور آن ایجاد می‌کند. بدون به رسمیت شناختن دیپلماتیک از سوی بازیگران کلیدی جهانی و نهادهای بین‌المللی، دولت برای دسترسی به کمک‌های خارجی، تضمین سرمایه‌گذاری و ایجاد مشارکت‌های تجاری تلاش می‌کند. انزوای نظام در صحنه بین‌المللی توانایی آن را برای مشارکت در همکاری اقتصادی معنادار محدود می‌کند و از پتانسیل رشد اقتصادی جلوگیری می‌کند.

۹-۲. تحریم‌ها و محدودیت‌های مالی

اعمال تحریم‌ها توسط جامعه بین‌المللی محدودیت قابل توجهی برای سیاست خارجی اقتصادمحور امارات اسلامی ایجاد می‌کند. محدودیت‌های مالی، تحریم‌های تجاری و مسدود شدن دارایی‌ها مانع از توانایی دولت برای دسترسی به سیستم‌های مالی بین‌المللی، جلوگیری از سرمایه‌گذاری خارجی و محدود کردن فرصت‌های توسعه اقتصادی می‌شود. تحریم‌ها موانعی بر سر راه تجارت، مالی و سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کند و مانع پیشرفت اقتصادی کشور می‌شود و ادغام آن در اقتصاد جهانی را محدود می‌کند.

۹-۳. وابستگی اقتصادی و اتکا به کمک

وابستگی اقتصادی افغانستان به کمک‌های خارجی، اثربخشی سیاست خارجی اقتصادمحور آن را محدود می‌کند. اتکا به منابع مالی خارجی، کشور را در برابر نوسانات جریان کمک‌ها، اولویت‌های اهداکنندگان و پویایی‌های ژئوپلیتیک آسیب‌پذیر می‌کند. ظرفیت محدود دولت برای ایجاد درآمد داخلی، تحریک رشد بخش خصوصی، و تنوع بخشیدن به اقتصاد، مانع از تلاش‌های دولت برای دستیابی به خودکفایی اقتصادی و توسعه پایدار می‌شود.

۹-۴. کمبود زیرساخت و چالش‌های توسعه

ضعف و حتی نبود زیرساخت‌های قابل توجه و چالش‌های انکشافی در افغانستان موانعی را برای تطبیق سیاست خارجی اقتصادمحور امارت اسلامی ایجاد می‌کند. زیرساخت‌های ناکافی، دسترسی محدود به خدمات اساسی و محدودیت‌های لجستیکی مانع تجارت، سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. ظرفیت دولت برای رسیدگی به شکاف‌های زیرساختی، بهبود اتصال، و بهبود محیط کسب‌وکار برای جذب سرمایه‌گذاری و تقویت رشد اقتصادی بسیار مهم است.

۹-۵. کمبود سرمایه انسانی و مهارت و تخصص

کمبود نیروی کار ماهر و متخصص در ساختار دولت، نبود فرصت‌های آموزشی و ابتکارات توسعه سرمایه انسانی چالش‌هایی را برای اهداف سیاست خارجی اقتصادمحور امارت اسلامی ایجاد می‌کند. کمبود نیروی کار واجد شرایط مانع تنوع اقتصادی، نوآوری و رشد بهره‌وری می‌شود.

شود. سرمایه‌گذاری در آموزش، آموزش حرفه‌ای و توسعه منابع انسانی برای ایجاد یک اقتصاد رقابتی و ارتقای چشم‌انداز اقتصادی کشور ضروری است.

به این ترتیب، می‌توان گفت در حالی که سیاست خارجی اقتصادمحور امارت اسلامی افغانستان به منظور ارتقاء رشد و توسعه اقتصادی است، اما با چالش‌ها و محدودیت‌های قابل توجهی مواجه است که مانع از اثربخشی آن می‌شود. دستیابی به شناخت بین‌المللی، پرداختن به تحریم‌ها، کاهش وابستگی به کمک‌ها، بهبود زیرساخت‌ها و افزایش سرمایه انسانی گام‌های مهمی برای دولت در عبور از این موانع و بازکردن پتانسیل کامل سیاست خارجی اقتصادمحور است.

نتیجه‌گیری

از آن‌چه گفته شد به این نتیجه می‌رسیم که در عصر معاصر، سیاست خارجی اقتصادمحور به عنوان ابزاری حیاتی برای کشورها برای پیشبرد منافع اقتصادی، افزایش رقابت بین‌المللی و تقویت روابط دیپلماتیک عمل می‌کند. امروزه کشورهای زیادی از جمله چین، آلمان، هند، سنگاپور و امثال آن، از استراتژی‌های مختلفی برای استفاده از ابزارهای اقتصادی برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی استفاده می‌کنند. امارت اسلامی افغانستان نیز به دلیل اقتضات داخلی و منطقه‌ای سیاست خارجی اقتصادمحور را در پیش گرفت. رویکرد اقتصادمحور امارت اسلامی افغانستان به دستاوردهای قابل توجهی در گسترش روابط تجاری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و رسیدگی به چالش‌های اجتماعی-اقتصادی در داخل کشور کمک کرده است. امارت اسلامی، با پیگیری تعامل دیپلماتیک، ترویج پروژه‌های اقتصادی و اولویت دادن به توسعه اجتماعی، تعهد خود را به بازسازی اقتصاد افغانستان و بهبود رفاه شهروندان آن نشان داده است. سیاست خارجی اقتصادمحور امارت اسلامی به عنوان یک جنبه محوری از استراتژی دیپلماتیک این کشور ظاهر شده است و نشان‌دهنده تغییری آگاهانه به سمت استفاده از ابتکارات اقتصادی به عنوان سنگ بنای تقویت روابط بین‌المللی است. امارت اسلامی با تمرکز به سیاست خارجی اقتصادمحور، نه تنها ثبات اقتصادی خود را تقویت کرده است، بلکه توانسته است روابط فعال با همسایگان، منطقه و جهان ایجاد کند. دستاوردهای اقتصادمحوری در سیاست خارجی امارت اسلامی قابل توجه و چشمگیر است. چنان‌که سیاست خارجی

اقتصادمحور امارت اسلامی، در شکل دادن به چشم‌انداز اقتصادی کشور، تقویت رشد اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش اساسی داشته است. دولت افغانستان با تمرکز بر دیپلوماسی اقتصادی، مشارکت تجاری، ترویج سرمایه‌گذاری و ابتکارات توسعه اقتصادی، گام‌های مهمی در پیشبرد برنامه‌های اقتصادی خود در صحنه جهانی برداشته است. امارت اسلامی با اولویت دادن به ابتکارات در تجارت، سرمایه‌گذاری، اتصال منطقه‌ای و توسعه زیرساخت‌ها به دنبال ایجاد مسیری به سوی شکوفایی اقتصادی و توسعه پایدار برای ملت است. حرکت روبه‌جلو، پرداختن به چالش‌ها و استفاده از فرصت‌ها در شکل‌دهی یک اقتصاد مقاوم و پویا که بتواند در برابر شوک‌های خارجی مقاومت کند و رشد فراگیر را برای مردم افغانستان ایجاد کند، حیاتی خواهد بود.

امارت اسلامی، با تمرکز بر توسعه اقتصادی و روابط تجاری با سایر کشورها، توانسته جایگاه بین‌المللی خود را تقویت کرده و مشارکت‌های جدیدی را ایجاد کند. این دستاوردها نه تنها به رشد اقتصادی کشور کمک می‌کند، بلکه نفوذ دیپلماتیک آن را در صحنه جهانی افزایش می‌دهد. تلاش‌های مستمر برای اولویت‌بندی توسعه اقتصادی در سیاست خارجی برای امارت اسلامی برای حرکت در پویایی‌های پیچیده بین‌المللی و تضمین آینده‌ای مرفه برای شهروندانش حیاتی خواهد بود.

منابع

۱. اسمیت، استیو، سیاست خارجی، (۱۳۹۵)، نظریه‌ها، بازیگران و موارد مطالعاتی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، جلد اول، تهران، نشر: سمت
۲. امید، علی و قلمکاری آرمن، (۱۳۹۸)، تحلیل رابطه سیاست خارجی توسعه‌گرایانه بر پیشرفت اقتصادی ترکیه (۲۰۰۲-۲۰۱۷)، دوفصلنامه مطالعات اقتصادی سیاسی بین‌الملل، دور ۲، شماره ۱
۳. سیدعلی طباطبایی، (۱۳۸۸)، بایسته‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات سیاسی
۴. شفایی، سیدمسعود، (۱۳۹۹)، دیپلوماسی اقتصادی، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۱۷
۵. شیخ‌عطار، علی‌رضا، (۱۳۸۵)، همراهی دیپلوماسی و اقتصاد، همشهری دیپلوماتیک
۶. هیل، کریستوفر، (۱۳۸۷)، ماهیت متحول سیاست خارجی، مترجم: علی‌رضا طیب و وحید بزرگی، پژوهش‌کننده مطالعات راهبردی، چاپ اول
۷. وزارت امور خارجه، (۱۴۰۱)، فعالیت‌های و دستاوردهای یک‌ساله، نشر: مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه
۸. مشعل، میراحمد، (۱۴۰۳)، طالبان و سیاست خارجی اقتصادمحور، موسسه مطالعات استراتژیک شرق
۹. مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی، (۱۴۰۱)، سیاست خارجی جمهوری و امارت، مقایسه و پیشنهادات

10. Baranay, P. (2009). Modern Economic Diplomacy. Diplomatic Economic Club. On: http://www.dec.lv/mi/Baranay_Pavol_engl.pdf

11. Xinhua. (2024). Belt and Road Initiative (BRI). Retrieved from <http://www.xinhuanet.com>

12. Ministry of External Affairs, Government of India. (n.d.). Act East Policy. Retrieved from <http://www.mea.gov.in>

13. Afghanistan Times. (2023). "Islamic Emirate of Afghanistan Seeks Trade Partnerships with Neighboring Countries." Retrieved from [<http://www.afghanistantimes.com>]